موافقت اقصر الطرق با دخول تکوینی شهر در مثال «اذا رایتم هلال رجب فلاتقاتلوا و ان بقی منه ساعات»

من یک نکته هم اضافه کنم. ببینید در دلیل «اذا رایتم هلال رجب فلاتقاتلوا»، تخصیص مناسبتر است یا ارشاد به موضوع؟ من برای تقلیل تخصیص، وجهی را عرض میکنم؛ با این تقریری که من الآن گفتم، تخصیص تمام شد؟ در جمادی قتال حلال بود، آن را تخصیص زدیم. این دو-سه ساعتی که از بعد از ظهر مانده است، حرام است. اینچنین است؟ خب اینکه کافی نیست. شما یک دلیل خارجیای دارید که حرمت قتال در شهر حرام است. شما الآن میخواهید بگویید این چند ساعت باقیماندهٔ از شهر حرام است یا نه؟ اگر تخصیص را بگویید، به این معنا است که از شهر حرام نیست. یعنی از شهر جمادی است که تنها حلیت را تخصیص زدهام. پس هنوز مانده است. پس شما باید دلیل حرمت قتال در شهر حرام را هم توسعه بدهید. بگویید «حرّم القتال فی الشهر الحرام» با این اضافه که اگر چند ساعت از جمادی مانده است، حرمت را توسعه بدهید. یعنی یک موردی هست که شهر حرام نیست، اما قتال در آن حرام است. یعنی نیاز به هزینه اضافه دارید، که حرمت را از موضوع قبلی خود توسعه بدهید. چون به این صورت است، باید ببینیم اقصر الطرق در تقنین کدام یک از آنها است؟

یکی اینکه حرمت قتال را از شهر حرام توسعه بدهیم و حلیت جمادی را تخصیص بزنیم؟ یا اینکه بگوییم «اذا رایتم الهلال دخل الشهر»، موضوع حرمت، شب و روز رجب نیست، بلکه لحظات رجب است؟ کدام یک از اینها است؟ اقصر الطرق در حکمت تقنین کدام یک از آنها است؟ بگوییم اگر ساعت دو دیدی لحظات ماه رجب شروع شده است، خب موضوع حرمت قتال هم لحظات ماه است، نه شب و روز آن. پس اینکه دلیل میفرمایی «و ان بقی من النهار ساعات»، ارشاد به این است که مقنن، موضوع حرمت قتال را لحظات ماه قرار داده است. لحظات دوره جدید قمر قرار داده است. نه شب به‌عنوان اول شب ماه رجب یا اول روز ماه رجب. چون در آن جا دو هزینه نیاز دارید شاید بتوان این بیان را داشته باشیم که در اینجا اقصر الطرق این است. اگر اشکالی دارید بفرمایید. نکته اخیر عرض من از نظر مباحثه طلبگی خیلی پرفایده است. روی آن تأمل کنید.

شاگرد: تناسب حکم حرمت قتال این است که حرمت، یک دفعه و در یک لحظه جاری نشود. لذا تخصیص اولی است. لذا شارع می‌گوید وقتی روز تمام شد حکم حرمت می‌آید. شما از بالا و اقصر الطرق وارد شدید، اما اگر از پایین و مدیریت امتثال نگاه کنیم، اولویت با تخصیص است.

استاد: نه، شما مثال را برعکس کردید. می‌گوید «اذا رایتم هلال رجب فلا تقاتلوا»، نه اینکه ادامه بدهید. یعنی قطع کنید «و ان بقی من النهار ساعات». یعنی تا دیدید قطع کنید.

شاگرد۲: ایشان در فضای تسهیل تشریع، این بیان را دارند.

استاد: نه، من که نگفتم حکم شرعی چیست و شارع چه کار کرده است. آنکه حرف شما و است و من در آن مشکلی ندارم. ما یک مثال مفروضی زدیم تا استظهارات عرف را کشف کنیم. و الا آنکه فرمایش شما است و ما از بیرون در آن شکی نداریم. در اینجا روی مثال مفروض می‌خواهیم استظهار بکنیم. نه اینکه حکم شرعی این است.

51:19

شاگرد۳: اگر مثال شما را برعکس کنیم و بگوییم وقتی هلال را دیدی تا غروب می‌توانی چند ساعت قتال کنی، شما در اینجا باید بفرمایی که تخصیص است. یعنی هر اشکالی که به این طرف گرفتی به شما وارد می‌شود.

استاد: فرمایش شما همین است که در فقه می‌گوییم. یعنی می‌گوییم «اذا رایتم هلال رجب فلا تقاتلوا من لیله».

شاگرد۳: اگر دلیل داشت و صریحاً می‌گفت.

استاد: مثلاً می‌گفت: «اذا رایتم هلال رجب، ان بقی من النهار ساعات فلایحرم القتال الی اللیل».

شاگرد۳: شما باید بفرمایی که این تخصیص می‌شود. چون لحظات ماه حرام داخل شده و شارع این را تخصیص زده است. لذا در اینجا اشکالی ندارد که قتال کنید. لذا همان اشکال شما که می‌فرمایی تخصیص، مئونه می‌خواهد، در اینجا هم می‌آید.

استاد: خب در آن جا دو هزینه می‌خواهیم یا یکی؟

شاگرد۳: فکر می‌کنم هر دو باشد.

استاد: حرمت را تخصیص زدیم، بقیه آن چیست؟! دیگر تخصیص نزدیم و تنها یکی است.

شاگرد: حکم را تضییق کردیم.

استاد: حرمت قتال را تخصیص زدیم، روی عرض من این دو-سه ساعت حرام است. خب این ساعت از زور حرام نیست، آن را تخصیص زدیم. بقیه چیست؟ حلیت جمادی بود و حالا هم هست. همین را عرض می‌کنم که آن دو تا می‌خواهد.

شاگرد۳: انتهای ماه هم همین حرف می‌آید.

استاد: انتهای ماه که همین حرمت است.

شاگرد۳: یعنی دوباره ممکن است که در روز ببینند و در شب می‌توانند قتال را ادامه بدهند.

استاد: استصحاب نهار که تخصیص نیست.

شاگرد۳: ولی باز ماه حرام را توسعه می‌دهیم. یعنی حرمت را توسعه می‌دهیم و می‌گوییم تا غروب می‌توانید جنگ کنید.

استاد: ببینید تصریح در اینجا با آن جا دلیلاً کفایت می‌کند یا نه؟

شاگرد۳: ممکن است کفایت نکند.

استاد: بله، دو باب و دو لسان است. ولی در اینجا یک دلیل است که محتاج دو کار است. هم تخصیص و هم توسعه در یک مورد است. ممکن است از این استفاده بشود.

شاگرد: این اختلافی که در روایت بیان شده که برخی گفته‌اند برای ماه رجب است و برخی گفته‌اند برای ما جمادی است، ممکن است به‌خاطر نسیء باشد؟

استاد: آیه نسیء که تغییر کرده برای حجة الوداع است که ده سال بعد از آن است. روی این هم تأمل می‌کنیم.

شاگرد: مثلاً نسی اهل بطن نخله با اینها فرق داشته است. چون ممکن است که برای کل جزیرة العرب یک تاریخ نبوده باشد.

استاد: بیانی که این احتمال را تضعیف می‌کند این است که در آیه شریفه هم مسلمین و هم کفار بر این اتفاق می‌کنند که شهر حرام بوده. «قل قتال فیه کبیر» تأیید این است. لذا آن احتمال را دور می‌برد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 13 مه 2026 14:38:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مه 2026 14:40:20 توسط ... .